

بسم الله الرحمن الرحيم

## حاملان دعوت، وارثان رسالت و سازندگان فردای امت!

(ترجمه)

حملِ حقیقی دعوت برای ازسرگیریِ زندگیِ اسلامی نه کارِ شوخی و سرگرمی است و نه نوعی تجمل؛ بلکه امانتی بزرگ و واجبی است بر دوش هرکسی که الله سبحانه و تعالی او را برای برداشتن آن موفق گردانیده باشد. حاملِ دعوت باید منصف، آگاه و توکل‌کننده بر الله سبحانه و تعالی باشد و با پایداری در راهِ بلندکردن پرچم اسلام و تبیین منهج اسلام در تمام عرصه‌های زندگی تلاش کند؛ بی‌آن‌که در پی منصب یا جاه باشد، بلکه تنها برای کسب رضای پروردگارش و احتساب اجر نزد او این تلاش را انجام دهد.

حاملِ دعوت، اجرش را از الله سبحانه و تعالی می‌گیرد؛ در حالی‌که با بصیرتی که پروردگارش به او بخشیده دعوت می‌دهد. پروردگار او را می‌پاید و نگاه می‌دارد. آنچه حاملِ دعوت با آن روبه‌رو می‌شود، از آزمایش و ابتلا، امر تازه‌ای نیست؛ پیامبران و رسولان نیز تمسخر، شکنجه و زندان را تجربه کردند، اما نه سست شدند و نه تن به خواری دادند؛ بلکه با صبر و توکل نیکو بر الله سبحانه و تعالی استوار ماندند. هرکس این رسالت را با رضایت، صبر و امید به پاداش الهی بر دوش گیرد، در هر شرایطی که باشد، در رعایه و حفظِ الله سبحانه و تعالی قرار دارد.

**خلافت، سایه‌بانِ توحید و وحدتِ حاکمیت:** خلافت بر منهج نبوت، دولتی است که مسلمانان را از نظر سیاسی گرد می‌آورد و چارچوبِ شرعی تطبیق شریعت را فراهم می‌سازد؛ به‌واسطه‌ای آن، مردم زیر پرچم یک امام جمع می‌شوند؛ امامی که به آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده حکم می‌راند و به‌وسیله‌ای او حقوق، کرامت و آزادی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امت بازپس گرفته می‌شود.

دشمنان امت، خطرِ این حقیقت را دریافته‌اند؛ از همین رو برای تکه‌تکه کردن آن تلاش کرده و تعصبات، طایفه‌گرایی و مرزهای ساختگی را پراکندند؛ آن‌هم از راه نهادهای بین‌المللی، قوانین و ساختارهایی نهادی که حقیقت پشت پرده‌های آن‌ها چیزی جز سلطه و هیمنه نیست.

**حقانیتِ دعوت به برپایی خلافت:** پس از فروپاشی خلافت و اشغال سرزمین‌های اسلامی به‌نام «مرزهای قومی» و «نظام‌های ملی»، برپایی دوباره‌ای خلافت به واجبی شرعی بدل شد؛ برای هرکسی که ایمان در دلش استوار است و خطر پراکندگی امت و شکستن قدرت آن را می‌بیند. دعوت به بازگرداندن سلطه‌ای مسلمانان، حکمی شرعی و فراخوانی است، برای اجرای آنچه در کتاب و سنت آمده؛ احکامی که امت را نجات می‌دهد و جایگاهش را بازمی‌گرداند. الله سبحانه و تعالی به اهل ایمان و عمل صالح وعده داده که آنان را در زمین جانشین خواهد کرد. این همان وعده‌ای است که برای مؤمنانِ کارگزار آمده است. همچنان در احادیث نبوی نیز وقوع خلافت بر منهج نبوت تصریح شده است.

**اوصافِ حاملِ دعوت و شیوه‌ای کار او:** حاملِ دعوت انسانی مخلص است؛ تجارتي و فروشی او را از یادِ الله سبحانه و تعالی باز نمی‌دارد. مؤمنی است استوار که در میان مردم کار می‌کند تا حق را روشن سازد، آگاهی دهد، تربیت کند و سازمان‌دهی نماید؛ نه در پی منصب شخصی است و نه لذتی دنیوی و ناپایدار. راه دشوار و آکنده از سختی‌هاست، اما بر کسی آسان می‌شود که بر الله سبحانه

و تعالی توکل کند و رضای او را بر هر چیز مقدم دارد. حامل دعوت باید آگاهی سیاسی داشته باشد و شیوه‌های تفکرش روشمند باشد؛ جهان را از زاویه‌های عقیده‌های اسلامی بنگرد و خویش را از نظر فکری و عملی برای ساختن یک پروژه‌های سیاسی بر پایه‌ای منهج اسلامی آماده کند.

الله سبحانه و تعالی پیامبران را به‌سوی مردم فرستاد تا حق را بشناسند و از آن پیروی کنند و باطل را بشناسند و از آن دوری گزینند. پیامبر و رسول را برای قومش می‌فرستاد تا رحمتی برای مردم باشد و آنان بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند. الله سبحانه و تعالی پیامبران را پیایی روانه کرد، چنان‌که در کتاب عظیمش فرموده است:

﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا﴾. [مؤمنون: ۴۴]

ترجمه: سپس پیامبران خود را پیایی فرستادیم.

پس حمل دعوت به‌سوی مردم، در حقیقت ادامه‌ای همان کاری است که پیامبران انجام می‌دادند. آنان آمدند تا مردم را بر اساس آنچه الله سبحانه و تعالی خالق آنان و دانایتر به مصالح دنیا و آخرت‌شان نازل کرده، رهبری و سیاست کند. آنان در راه دعوت، آزار، تمسخر، استهزاء، شکنجه، زندان، دشنام و انواع ابتلاها را تحمل کردند؛ اما نه سست شدند، نه ضعف نشان دادند و نه به خواری تن دادند. دشمنان‌شان مال و قدرت و سلطه در اختیار داشتند، همه‌ای ابزارهای رسانه‌ای و اقتصادی را در چنگ داشتند، و از نفوذ، نیرنگ، حيله و نفاق برخوردار بودند؛ همان‌گونه که امروز نیز مشاهده می‌کنیم.

سلاح پیامبران و رسولان، صبر و توکل نیکو بر الله سبحانه و تعالی بود، و ایمانی استوار به این حقیقت که او دینش را به کمال می‌رساند و آن را به مردم می‌رساند؛ هرچند همه‌ای نیروها علیه آنان بسیج شده باشد. آنان پیام‌های پروردگارشان را رساندند و قوم‌های خود را بیم دادند. الله سبحانه و تعالی در کتابش همه‌ای راه‌حل‌ها را برای مسائل و مشکلات هر زمان و هر مکان بیان کرده است:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾. [نحل: ۸۹]

ترجمه: و بر تو/این کتاب را فرو فرستادیم تا روشنگر هر چیز باشد.

﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ [انعام: ۳۸]

ترجمه: ما در/این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم.

دشمنان ما به‌خوبی خطر خلافت را به‌عنوان نیرویی که امت را یک‌پارچه می‌کند و قدرتش را گرد می‌آورد درک کرده‌اند. از همین رو برای ویران ساختن آن تلاش کردند تا مسلمانان را پراکنده سازند؛ زیرا خلافت همان سایه‌بانی است که آنان را متحد و گردهم می‌سازد. آنان کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار کردند و نهادها و سازوکارهای جهانی به‌نام «قانون بین‌الملل»، «امنیت بین‌المللی»، «بهداشت»، «علم و فرهنگ» و «کمک به کشورها» ایجاد نمودند؛ اما هدف همه‌ای این‌ها چیزی جز سلطه و نفوذ بر همه‌ای کشورها به‌ویژه سرزمین‌های اسلامی بود.

پس حمل دعوت برای بازگرداندن سلطه مسلمانان، پس از ویرانی خلافت و روی کار آمدن امیران و حاکمانی بر پاره‌های از هم گسیخته‌ای امت پاره‌هایی برآمده از تعصبات، قومیت‌ها و ملی‌گرایی‌های نکوهیدهای جاهلیت نخستین به واجبی شرعی بدل شده است؛ حاکمانی که با نظام‌های کفر حکومت می‌کنند، آن هم در برابر چشمان دشمنان مسلمانان و تحت نظارت و رهبری آنان. الله سبحانه و تعالی ما را به چیزی تکلیف نکرده است مگر آن که در توان و وسع ما باشد.

این روزها امت با رویدادهای دشوار و طاقت‌فرسایی روبه‌رو است؛ خیانت‌ها، مزدوری‌ها و فروبستگی‌هایی که سنگینی آن کوه‌ها را به زانو درمی‌آورد و خردمند را درمانده و سرگشته می‌سازد. آیا برای چنین شداید و هولناک‌چیزها مردانی هستند؟ مردانی که جان خویش را در راه الله سبحانه و تعالی فروخته‌اند؛ همان مردانی که پروردگار عالمیان درباره‌ی آنان فرموده است:

﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾. [نور: ۳۷]

ترجمه: مردانی که تجارت و دادوستد آنان را از یادِ الله باز نمی‌دارد.

و نیز همان مردان استوار و مؤمنی که الله سبحانه و تعالی درباره آنان گفته است:

﴿رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾ [احزاب: ۲۳]

ترجمه: مردانی که بر پیمانی که با الله بسته بودند راست ایستادند.

ما به جوانان با ایمان و به مردان و زنان مؤمنی نیاز داریم که برای منصب، مدرک یا دنیای فانی کار نکنند؛ مردانی که در راهِ الله سبحانه و تعالی از سرزنش هیچ ملامتگری نهراسند و تنها از الله بترسند و از هیچ کس جز او هراسی نداشته باشند. مسلمانان مؤمنی که با سخن راستین، باطلی را که در برابرشان ایستاده درهم بکوبند؛ دل‌هایی که پروردگار و پیامبرشان محمد صلی الله علیه و سلم را بزرگ می‌شمارند و هرگز به پستی و خواری در دین رضایت نمی‌دهند.

پس چه می‌گویید اگر منهج ربانی الله سبحانه و تعالی بر زمین او اجرا نشود، و پست‌ترین و بی‌ارزش‌ترین خلق نزد الله، کتابش و رسولش را به استهزا گیرند؟

ای اهلِ قوتِ مخلص، ای بندگانِ الله سبحانه و تعالی، ای صاحبانِ رتبه‌ها در سپاهیانِ مسلمانان، ای کسانی که دستی در پاسداری از سرزمین امت و مردم آن دارید! شما را در این میدانِ نقشی بزرگ است؛ نقشی در بازگرداندن حقوق، برجیدنِ ستم‌ها و برپا ساختنِ دولتی که به شریعت حکم کند و عدالت را مجسم سازد. امت از شما انتظار دارد که پاک‌نهادی و شجاعت را در یاری دینِ الله و برداشتنِ بلا از بندگانِ آشکار کنید.

شما همان‌گونه که ما می‌بینیم، گواه مصیبت‌های بسیاری هستید که دشمنانِ الله در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی مرتکب می‌شوند. ما نماز و تسبیح و استغفار و دعا‌های شما به درگاه پروردگارتان را از شما می‌طلبیم. چه کسی جز شما برای این کار شایسته است؟ ما نیک می‌دانیم، و شما نیز می‌دانید، که این مأموریت دشوار است؛ اما بر کسی آسان می‌گردد که بر الله سبحانه و تعالی توکل کند و به او پناه برد. ما همه‌ای مقومات و ظرفیت‌های سیطره بر زمین و اعماق آن و آسمان و دریاها و رودها را در اختیار داریم؛ زیرا به

فضل الله سبحانه وتعالى همه‌ای اسباب غلبه و تمکین در دست ماست. بر همین سرزمین‌های ما بود که روزگاری امت، امتی واحد بود؛ با امامی واحد و لشکری واحد.

امت در مرحله دشوار از فروبستگی، مزدوری و پایمال‌شدن حقوق می‌گذرد؛ اما راه بر کسی که حق را برگزیده و به رضای الله سبحانه وتعالی راضی است، دشوار نیست. آنان باید این رسالت را همان‌گونه حمل کنند که پیشینیان حمل کردند، مردم را از تاریکی‌های بندگی بندگان به روشنایی بندگی رب‌العباد بیرون کشیدند و این است رستگاری بزرگ.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ [انفال: ۲۴]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اجابت کنید فرمان الله و فرمان پیامبر را هنگامی که شما را به چیزی می‌خواند که شما را زندگی می‌بخشد.

نویسنده: محمود سعید

مترجم: پارسا امیدی